

کاوش در چگونگی حل مسئله در بین همسران تازه ازدواج کرده‌ی شهر اصفهان *

زهرا ناجی اصفهانی ** جهانگیر جهانگیری *** عبدالعلی لهسایی زاده ****

■ چکیده

زندگی زناشویی بخش مهمی از زندگی هر انسان است. بسیاری از افراد بخش بزرگی از زندگی خود را در این مرحله سپری می‌کنند و در این مسیر ممکن است با فراز و نشیب‌هایی روبه‌رو شوند. پدید آمدن اختلاف در بین همسران امری طبیعی است، ولی چگونگی مواجهه با آن آینده‌ی روابط را رقم می‌زند. مطالعه‌ی حاضر، پژوهشی کیفی است که توصیف و مستند کردن استراتژی‌های مواجهه با مسئله در رابطه‌ی بین همسران تازه ازدواج کرده‌ی شهر اصفهان را بررسی کرده است. هدف از انجام این مطالعه دستیابی به منظومه‌ی مفهومی همسران تازه ازدواج کرده از راهبردهای حل مسئله‌ی آنهاست، بر این اساس از اصول و قواعد روش‌شناسی نظریه‌ی زمینه‌ای برای تحلیل داده‌های به‌دست آمده استفاده شد. میدان مطالعه‌ی شده در این پژوهش همسران متأهل شهر اصفهان هستند که بر اساس قاعده‌ی نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. با استفاده از مصاحبه‌ی نیمه‌ساختار یافته در مجموع با ۱۴ نفر (۷ زن و ۷ مرد) مصاحبه شد. در تحلیل اطلاعات گردآوری شده ۱۱۹ مفهوم، ۱۶ مقوله و دو مقوله محوری به‌دست آمد. یافته‌ها حاکی از آن است که همسران تازه ازدواج کرده یا با بهره‌گیری از مهارت و یا با روی‌آوری به طبیعت با مسائل و اختلافات زناشویی مواجه می‌شوند.

■ واژگان کلیدی

همسران، سال‌های آغازین زندگی زناشویی، حل مسئله، اختلاف زناشویی

* مقاله‌ی حاضر برگرفته از رساله‌ی دکتری با موضوع «کاوش فرایندهای شکل‌گیری صمیمیت در بین زوج‌های متأهل اصفهانی در سال‌های آغازین ازدواج» است.

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز (naji.zahra@gmail.com)

*** دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز (نویسنده‌ی مسئول) (JJahangiri@rose.shirazu.ac.ir)

**** استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز (lahsai@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۱۵

۱. مقدمه و بیان مسئله

خانواده واحد اصلی شکل‌دهنده‌ی یک جامعه است که جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد. این نهاد در طول تاریخ تحت تأثیر تحولات گوناگون اقتصادی و اجتماعی دگرگون شده است، اما همچنان تعاملات درون خانواده به‌ویژه تعاملات عاطفی همسران با یکدیگر اهمیت و محوریت ویژه‌ای دارد. از نظر بیشتر افراد، رابطه‌ی صمیمانه‌ی زوجین با یکدیگر مهم‌ترین چیز در زندگی است (هتفیلد، ۱۹۸۴: ۲۰۹). به‌گونه‌ای که هر تهدیدی علیه این تعاملات فرد را با چالش‌های جدی مواجه می‌کند. این نوع از روابط مانند سایر تعاملات انسانی عاری از تضاد، اختلاف یا تعارض نیست. به‌عبارتی مسئله‌مندی آن روی سکه‌ی صمیمیت است و حل موفقیت‌آمیز مسائل مبتلابه در رابطه‌ی زوجین به صمیمیت منجر می‌شود.

حل مسئله یکی از مهارت‌های لازم برای نگهداشتن رابطه است. این مهارت شامل تلاش برای شناسایی مسئله، تعریف مسئله، تلاش برای درک آن، تعیین اهداف مربوط به مسئله، تولید راه‌حل‌های جایگزین، انتخاب بهترین جایگزین و ارزیابی اثربخشی این تلاش است (منصوری و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۲). حل مسئله فرایندی است که از سوی فرد هدایت می‌شود و او سعی می‌کند با کمک آن راه‌حل‌های مؤثر و سازگار برای زندگی خویش را پیدا کند. این امر فرایندی آگاهانه، منطقی، تلاش‌بر و هدفمند است (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶۴).

از نظر وارینگ، صمیمیت ابعاد متعددی دارد و مرکب از هشت بعد کیفی است که حل تضاد به‌معنای ظرفیت برای حل تفاوت عقاید بدون بحث، انتقاد یا امتناع از حل مسائل یکی از این ابعاد است (وارینگ و چلون، ۱۹۸۳: ۱۸۳-۱۸۴). به‌زعم استرانگ وجود هم‌زمان تضاد و عشق بین افرادی که یکدیگر را دوست دارند، مثل یک راز است. به باور وی این یک تناقض است که هرچه دو نفر صمیمی‌تر باشند، احتمال دارد تضاد بیشتری را تجربه کنند. از نظر وی، تضاد لزوماً نشان‌دهنده‌ی بحران در رابطه نیست. در هر رابطه‌ی بین دو نفر، انواع زیادی از تفاوت‌ها وجود دارد و وقتی آنها به هم نزدیک‌تر می‌شوند، این تفاوت‌ها به اختلاف تبدیل می‌شود (استرانگ و همکاران، ۲۰۰۸: ۲۵۹).

ناتوانی در کنترل و مدیریت تعارض می‌تواند به روابط همسران صدمات جدی وارد کند. عوامل بسیاری باعث می‌شود که اختلاف‌ها و تعارض‌های طبیعی به آشفتگی زناشویی تبدیل شود. یکی از مهم‌ترین این عوامل، طرز تفکر و نگرش زوجین نسبت به تعارض‌های زناشویی است. زوجینی که تعارض را امری تهدیدکننده، مخرب و نابودکننده قلمداد می‌کنند، در معرض خطر خواهند بود و تعارض‌های اجتناب‌ناپذیر زناشویی به آشفتگی در روابط آنها منجر می‌شود. زوجینی که تعارض

و اختلاف را فرصتی برای رشد رابطه‌ی خود تلقی می‌کنند از آن نخواهند ترسید و آسیب‌پذیر نخواهند بود (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۰۵).

سال‌های ابتدایی ازدواج از مقاطع مهم در چرخه‌ی زندگی خانواده و همسران تازه ازدواج کرده است. زوج‌هایی که به‌تازگی ازدواج کرده‌اند، برای تقویت رابطه و ازدواج خود لازم است با آگاهی و مهارت عمل کنند. در غیر این صورت، انباشت عوامل مختلف در طول زمان مانند تضادهای حل نشده، ارتباطات ضعیف، نارضایتی‌ها، نقش‌های زیاد، برنامه‌های کاری سنگین و مسئولیت‌های پرورش کودکان باعث سرخوردگی در رابطه‌ی آنها می‌شود. اهمیت این دوران در این است که کنش‌های متقابل زوجین در این سال‌ها، قواعد نانوشته‌ی مشترک کنش در سال‌های آتی را بنا می‌نهد. رویارویی با مسائل، تعارض و اختلاف از همان ابتدای زندگی مشترک آغاز می‌شود و همسران در اولین سال‌های زندگی مشترک درگیر راهبردهایی هستند که این مسائل را حل و فصل یا آنها را تخفیف و تعدیل کنند. در طول سال‌های اول ازدواج، رابطه‌ی بین حل مسائل و رضایت از زندگی متأهلی آن‌چنان برجسته و پررنگ است که ممکن است تعارض و اختلاف در این دوره افزایش یابد. این یک مرحله‌ی استرس‌زا در دوران زندگی زناشویی است.

۸۵

به‌نظر طرفداران نظریه‌های رشدی و ساخت‌نگر علت افزایش بروز تعارضات زناشویی در این مقطع از زندگی ناتوانی زوجین جوان در تغییر الگوهای رفتاری و قواعد و انتظارات برگرفته از روابط قبلی به‌خصوص خانواده‌ی پایه و مهارت‌نداشتن در تشکیل یک واحد زناشویی جدید است (قادری و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۸). به‌این ترتیب، اداره‌ی مؤثر مسائل و اختلافات از طریق تعاملات روزانه یکی از مهم‌ترین وظایف بین فردی است که زوج‌های تازه ازدواج کرده با آن مواجه‌اند.

از آنجاکه پایه و اساس روابط درون خانواده بر محور رابطه‌ی زن و شوهر استوار است و روابط سال‌های اولیه‌ی زندگی زناشویی در شکل‌گیری استحکام و تداوم زندگی خانواده بسیار مؤثر است، پژوهش حاضر از منظر جامعه‌شناختی مواجهه‌ی زوج‌ها با مسئله و راهبردهای آنها برای حل آن را به‌گونه‌ای که در تعاملات روزمره‌ی خود به آن می‌پردازند را مطالعه می‌کند. این هدف از طریق بررسی، توصیف و مستند کردن چگونگی مواجهه با مسئله در رابطه‌ی بین همسران تازه ازدواج کرده‌ی شهر اصفهان محقق خواهد شد.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

رازقی و اسلامی در «مطالعه‌ی کیفی علت‌های تعارض در خانواده» که به شیوه‌ی کیفی و با استفاده از نظریه‌ی زمینه‌ای انجام شده است با ۲۰ مورد برای بررسی دلایل، شرایط و زمینه‌های ایجاد تعارض در خانواده مصاحبه کردند. یافته‌های این مطالعه حاکی است، تفاوت‌های فردی و اجتماعی، دخالت اطرافیان، نبود مهارت‌های ارتباطی و مسائل اقتصادی شرایط و علل اصلی بروز تعارض خانوادگی بوده است. در کنار این علل، شرایط و زمینه‌های دیگری نظیر برآورده‌نشدن نیازها و نارضایتی در روابط عاطفی و زناشویی در بروز تعارض خانوادگی مؤثر است. همچنین چنین تعارضی به درگیری لفظی و جسمی، کاهش سرمایه‌ی اجتماعی و درنهایت بی‌اعتنایی و طلاق عاطفی منجر خواهد شد (رازقی و اسلامی، ۱۳۹۴).

اسمعیلی و دهدست در مطالعه‌ای با عنوان «ارائه‌ی طرحی مفهومی از رابطه‌ی تعارض‌های دوران نامزدی (پیش از ازدواج) با رضایت زناشویی (پس از ازدواج)» با هدف شناسایی عوامل زمینه‌ساز تعارض در خانواده پیش از ازدواج به شیوه‌ی کیفی و با استفاده از نظریه‌ی مبنایی با ۱۸ نفر از زنان متأهل که ۷ سال از زندگی مشترک آنها گذشته و تجربه‌ی دوران نامزدی داشته و به مرکز بهداشت پاکدشت مراجعه کرده‌اند، مصاحبه کردند. یافته‌ها در پنج طبقه شامل عوامل زمینه‌ساز تعارض، مواضع افزایش‌دهنده‌ی تعارض، مواضع کاهش‌دهنده‌ی تعارض، عوامل بسترساز شکل‌گیری مواضع افزایش‌دهنده‌ی تعارض و عوامل بسترساز شکل‌گیری مواضع کاهش‌دهنده‌ی تعارض شناسایی شدند. یافته‌ها بیانگر آن است که تعارضات و نحوه‌ی تعاملات در این دوران تأثیر فراوانی در چگونگی شکل‌گیری روابط آتی زوج جوان بعد از ازدواج خواهد است (اسمعیلی و دهدست، ۱۳۹۳).

ملکی و همکاران در پژوهشی به شیوه‌ی کمی و پیمایشی تاکتیک‌های حل تعارض در زنان مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده را مطالعه کرده‌اند. براساس یافته‌های این مطالعه زوجین موفق در حل تعارضات خویش از تاکتیک‌های مسالمت‌آمیز استفاده می‌کنند، درحالی‌که زوجین ناموفق با اتخاذ تاکتیک‌های خشن و خشونت روان‌شناختی و جسمانی تعارضات پیش‌آمده را برطرف می‌کنند (ملکی و همکاران، ۱۳۹۳).

صادقی‌فسایی و ملکی‌پور مصادیق و زمینه‌های شکل‌گیری فاصله در رابطه‌ی زوجین را بر روی ۴۳ مورد با روش کیفی مطالعه کردند و در بخشی از یافته‌های خود از صور متفاوت فاصله در روابط زوجین به فاصله‌ی معطوف به تعارض اشاره کرده‌اند. به‌زعم محققان، این نوع فاصله به‌علت اختلال در روابط و تعاملات بین زوجین شکل می‌گیرد و در چهار دسته‌ی فیزیکی، عاطفی، ارتباطی و جنسی ظاهر می‌شود (صادقی‌فسایی و ملکی‌پور، ۱۳۹۲).

عنایت، دسترنج و سلمانی در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل مرتبط با اختلاف خانوادگی»، با استفاده از پرسش‌نامه و انجام پیمایش دریافتند که متغیرهایی همچون سن ازدواج، میزان تحصیلات زن و مرد، نوع شغل زن و مرد، نوع رابطه‌ی عاطفی همسران با یکدیگر، دخالت خانواده‌ها و بیماری‌های روانی یکی از زوجین با میزان اختلافات خانوادگی رابطه‌ی معناداری دارند (عنایت، دسترنج و سلمانی، ۱۳۹۰).

سفیری و محرمی در مطالعه‌ای پیوند ناهمسان‌همسری با میزان اختلافات زناشویی در میان زنان شاغل و خانه‌دار را به شیوه‌ی پیمایشی بررسی کرده‌اند. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که میزان اختلاف زناشویی و ناهمسانی فرهنگی در تفاوت باورهای مذهبی همسران و سنتی بودن خانواده، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. به عبارت دقیق‌تر، تفاوت در باورهای مذهبی همسران در بین زنان شاغل بیش از زنان خانه‌دار عامل ایجاد اختلاف است. به علاوه، زنان خانه‌دار در خانواده‌ی سنتی نسبت به زنان شاغل اختلاف زناشویی بیشتری داشته‌اند (سفیری و محرمی، ۱۳۸۸).

مقدس در مقاله‌ای با عنوان «طبقات اجتماعی و شیوه‌های حل مسئله در بین زوجین خانواده‌های ساکن شیراز» که به شیوه‌ی کیفی انجام داد، دریافت که مشکلات طبقات پایین‌تر از آنها با یکدیگر متفاوت است؛ مشکلات طبقات بالای شهر عاطفی است، ولی مشکلات طبقات پایین بیشتر ابزاری و در طبقات متوسط این مشکلات تلفیقی از عاطفی و ابزاری است. برای حل مشکلات، طبقات پایین بیشتر از راه‌حل‌های فیزیکی و ابزاری استفاده می‌کنند. طبقات بالا بیشتر از سرمایه‌ی مادی بهره می‌برند و طبقات متوسط بیشتر از سرمایه‌ی فرهنگی و اجتماعی سود می‌برند. او استراتژی‌های حل تعارضات خانوادگی را در ۵ مقوله‌ی اصلی شامل برخورد دموکراتیک، برخورد بازسازانه، برخورد عقلانی، برخورد منفعت‌طلبانه و برخورد فیزیکی و قهری دسته‌بندی کرده است (مقدس، ۱۳۷۸).

لی و همکاران براساس اطلاعات به‌دست‌آمده از ۱۹۴ زوج چینی در سال‌های اول ازدواج، چهار گروه از زوجها را براساس انواع مختلف استراتژی‌های به‌کار برده شده در حل و فصل اختلافات زناشویی شناسایی کردند: زوج‌های مشارکتی، زوج‌های اجتنابی، زوج‌های تهاجمی و زوج‌های زن‌خشن-مرد اجتنابی (Li & et al, 2017).

پاپ مطالعه‌ای را با عنوان «موضوعات مربوط به تعارضات زناشویی در زندگی روزمره‌ی زوج‌های لانه خالی و پیامدهای آن برای حل تضادها»، با هدف فهم تجارب ازدواج در دوران میانه‌ی زندگی انجام داد و گزارش خاطراتی از نزاع‌های زناشویی ۵۵ زوج که فرزندان بالغ از خانه خارج شده دارند را جمع‌آوری و بررسی کرد. یافته‌ها حاکی از آن بود که ارتباطات، کارهای روزمره و عادت‌ها از جمله شایع‌ترین اختلاف‌نظرهایی است که شوهران و همسران گزارش می‌کنند (Papp, 2017).

اوبری همیلتون در مطالعه‌ی «تأثیر تعارض زناشویی و محیط زناشویی در تغییر وضعیت زناشویی» دریافت که بین عوامل محیطی مانند شادی، رضایت، تقسیم عادلانه‌ی کارهای منزل و منصفانه پول خرج کردن با تعارض زناشویی ارتباط وجود دارد. در بین زوجینی که رضایت کمتری دارند و شاد نیستند، احتمال وجود تعارض بیشتر است، در حالی که زوجینی که شاد و راضی از ازدواج خود هستند، بیشتر با یکدیگر وقت می‌گذرانند و در رابطه‌ی زناشویی، چگونگی پول خرج کردن و کارهای منزل با اختلاف و تعارض کمتری مواجه‌اند (Auberry Hamilton, 2013).

گریف و برونا در مطالعه‌ای با عنوان «سبک مدیریت تعارض و رضایت زناشویی» این موضوع را بررسی کردند که آیا سبک مدیریت تعارضی وجود دارد که نسبت به سایر سبک‌ها بیشترین همبستگی معنادار با رضایت زناشویی را داشته باشد. ایشان در این مطالعه ۵۷ زوجی که حداقل ۱۰ سال از ازدواج آنها گذشته باشد را به‌شیوه‌ی کمی بررسی کردند. نتایج حاکی از آن است که سبک‌های مدیریت تعارض همکارانه بیشترین همبستگی را هم با رضایت زناشویی و هم با رضایت از مدیریت تعارض در ازدواج دارد. در مقابل، زمانی که یکی یا هر دو طرفین از شیوه‌ی مدیریت رقابتی برای مدیریت تعارض استفاده می‌کنند، کمترین میزان رضایت وجود دارد.

۸۸

بررسی ادبیات و پیشینه‌ی پژوهش‌های انجام‌شده درباره‌ی حل مسئله در همسران تازه‌ازدواج‌کرده نشان داد، مطالعات مختلفی در حوزه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی هم در داخل و هم در خارج از کشور در موضوع تعارض‌های زناشویی، اختلافات خانوادگی و حل تعارض‌ها انجام شده است. در حوزه‌ی روان‌شناسی پژوهش‌های زیادی در این باره مشتمل بر پژوهش‌های مداخله‌ای و رابطه‌ی این موضوع با آموزش مهارت حل مسئله، رضایت زناشویی، سازگاری زناشویی، کیفیت زناشویی و مانند آن انجام شده است. به‌علاوه، مطالعات انجام‌شده در این باره هم شامل پژوهش‌های کمی و هم پژوهش‌های کیفی است. با وجود این، درباره‌ی حل مسئله در سال‌های آغازین ازدواج و همسران تازه‌ازدواج‌کرده مطالعات محدودی در خارج از کشور (و نه در داخل) وجود دارد که بیشتر به‌شیوه‌ی کمی انجام شده‌اند. در این بین جای خالی مطالعاتی مشاهده می‌شود که به شیوه‌ی کیفی راهبردها و شیوه‌های حل مسئله از منظر خود همسران به‌ویژه در سال‌های اول ازدواج را کاوش کند. این مطالعه برای ارتقای دانش در این باره انجام شده است.

۳. روش پژوهش

باتوجه به موضوع و اهداف روش انجام این مطالعه کیفی است. نظریه‌ی زمینه‌ای یکی از روش‌شناسی‌های تحقیق کیفی است که از یک‌سو توانمندی نظریه‌سازی دارد و از سوی دیگر امکان تحلیل داده‌های کیفی را فراهم می‌کند (ایمان، ۱۳۹۱: ۷۰). از نظر کوربین و اشتراوس تحقیقات کیفی سه خروجی اصلی دارند: توصیف، نظم مفهومی و نظریه. انتخاب بین این سه خروجی به زمان، نوع روش کیفی و هدف تحقیق بستگی دارد (کوربین و اشتراوس ۲۰۱۵: ۹۷). براین اساس، محقق کیفی می‌تواند پژوهش خود را در یکی از سطوح مذکور اجرا کند. باتوجه به توضیحات داده‌شده، برای انجام این مطالعه از اصول و قواعد این روش‌شناسی برای تحلیل داده‌های گردآمده استفاده شده است. هدف استفاده از راهبردهای نظریه‌ی زمینه‌ای دستیابی به منظومه‌های مفهومی است و نه نظریه. براساس تعریف اشتراوس و کوربین، نظم‌دادن مفهومی^۱ عبارت از سازمان‌دادن به داده‌ها در قالب دسته‌ها یا مقوله‌های مشخص (و گاه رتبه‌بندی‌شده) و سپس استفاده از توصیف برای بیان کردن و توضیح‌دادن هریک از آن دسته‌ها یا مقوله‌هاست. دلیل اصلی استفاده از نظم‌دهی مفهومی در پژوهش کیفی آن است که این‌گونه تحلیل پیش‌درآمد نظریه‌پردازی است، اما این نظم‌دهی مفهومی ممکن است نقطه‌ی پایان در برخی بررسی‌ها باشد (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۴: ۴۰-۴۲). نظم‌دادن مفهومی به معنای طبقه‌بندی وقایع و اشیاء برحسب ابعاد مختلفی است که با دقت مشخص شده‌اند بدون آنکه طبقه‌بندی‌ها به هم مرتبط شوند و توضیحی داده شود که همه را دربرگیرد (سیدنفوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶). بنابراین در این طرح‌ها، نظریه‌ی پرورش‌یافته‌ای وجود ندارد که علت یا چگونگی شکل‌گیری پدیده‌ی رخ داده‌شده را بیان کند (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۴: ۴۳). باتوجه به آنکه راهبردهای حل مسئله در بین همسران تازه‌ازدواج کرده تاکنون در مطالعه‌ای تحلیل و بررسی نشده است، این مطالعه پژوهشی اکتشافی برای مشخص شدن چگونگی مواجهه‌ی این جامعه با پدیده‌ی موردنظر است.

میدان مطالعه‌شده در این پژوهش همسران متأهل شهر اصفهان هستند. براساس قاعده‌ی نمونه‌گیری هدفمند- که راهبرد عمومی انتخاب موارد در تحقیق کیفی است (محمدپور، ۱۳۹۷: ۳۵۹)- مشارکت‌کنندگان این مطالعه برحسب خصوصیات و تجربه‌های آنها با پدیده‌ی مطالعه‌شده گزینش شده‌اند. درواقع، پژوهشگر به عمد افراد ویژه‌ای را انتخاب کرده است که تأمین‌کننده‌ی اطلاعات مهمی باشند و دستیابی به آنها با سایر انتخاب‌ها میسر نباشد. ملاک اصلی انتخاب

شرکت‌کنندگان آن است که پدیده‌ی موردنظر (تأهل و زندگی مشترک) را تجربه کرده باشند. از آنجاکه با تداوم زندگی مشترک زن و مرد خود را تطبیق می‌دهند و مکانیسم‌های حل مسئله به امر بدیهی و عادت تبدیل می‌شوند، همسران متأهلی انتخاب شده‌اند که سال‌های آغازین زندگی مشترک را سپری می‌کنند و در حال ایجاد برساخت‌های مرتبط با فرایند حل مسئله در تعامل با همسر خود هستند. براین اساس، همسرانی وارد فرایند پژوهش شدند که زندگی مشترک خود را رسمی آغاز و به اصطلاح عرفی جامعه عروسی کرده باشند. همچنین از زمان عروسی آنها ۵ سال بیشتر نگذشته باشد. به علاوه، باتوجه به آنکه لازم بود، مشارکت‌کنندگان تجربه‌ی کافی درباره‌ی مسئله‌ی تحقیق داشته باشند، محقق همسرانی که کمتر از ۱ سال از زندگی مشترک رسمی آنها گذشته باشد را نیز وارد نمونه نکرده است.

در میان تکنیک‌های کیفی گردآوری اطلاعات، مصاحبه با اهداف پژوهش بیشترین تناسب را دارد؛ لذا از مصاحبه‌های عمیق برای گردآوری اطلاعات استفاده شد. این نوع مصاحبه با استفاده از راهنمای مصاحبه انجام می‌شود، یعنی فهرستی از سؤالات و موضوعات مکتوبی که باید در یک توالی خاص دنبال شوند (محمدپور، ۱۳۹۷: ۱۳۱). مصاحبه‌های نیمه‌ساخت یافته طوری طراحی و اجرا شد که تجربیات مشارکت‌کنندگان زن و مرد از زبان خودشان درک شود. سؤالات به‌مثابه راهنما و تسهیل‌کننده‌ی گفت‌وگو در جریان مصاحبه کاوش در تجربه‌ی مشارکت‌کنندگان را امکان‌پذیر کرده و محقق براساس پاسخ‌های مشارکت‌کننده سؤالات موشکافانه‌ی خود را مطرح می‌کرد.

پس از انتخاب مشارکت‌کنندگان زن یا مرد موافقت شفاهی آنها برای شرکت در مصاحبه اخذ شد و پس از آن مطابق با برنامه‌ی زمانی شرکت‌کنندگان زمانی برای انجام مصاحبه تعیین و با آنها مصاحبه شد. ممکن بود جنسیت محقق در کیفیت مصاحبه و داده‌های در حال گردآوری تأثیر گذارد، بنابراین جنسیت مصاحبه‌گر با جنسیت مصاحبه‌کننده تطابق داده شد. درنهایت ۱۴ مصاحبه (۷ زن و ۷ مرد، از گروه‌های شغلی مختلف، در مقاطع مختلف تحصیلی از دیپلم تا دکتری و در فاصله‌ی زمانی ۱ تا ۴ سال از عروسی) انجام داده و پیاده و تحلیل شد. مشخصات پاسخ‌گویان در جدول شماره‌ی ۱ آمده است.

جدول ۱. ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان

مشارکت‌کننده	جنس	مدت زمان مصاحبه	سن	مدت زمان عروسی تا مصاحبه	شغل	تحصیلات
۱	زن	۷۱ دقیقه	۳۱	یک سال و دو ماه	شاغل پاره‌وقت	کارشناسی ارشد
۲	مرد	۶۶ دقیقه	۳۴	یک سال و دو ماه	پیمانکار	کارشناسی
۳	مرد	۶۵	۳۸	۳ سال و ۴ ماه	عضو هیئت علمی	دکتری
۴	زن	۹۰	۳۶	۳ سال و ۴ ماه	کارمند	دکتری
۵	زن	۱۰۵	۳۰	۲ سال و ۲ ماه	شاغل پاره‌وقت	کارشناسی ارشد
۶	مرد	۱۰۰	۳۳	۲ سال و ۲ ماه	شرکت خصوصی	کارشناسی ارشد
۷	زن	۱۲۰	۳۰	۲ سال	عضو هیئت علمی	دکتری
۸	مرد	۹۰	۳۲	۲ سال	مدرس	کارشناسی ارشد
۹	زن	۸۵	۲۹	۳ سال	خانه‌دار	لیسانس
۱۰	مرد	۷۰	۳۰	۳ سال	آزاد	دیپلم
۱۱	زن	۱۲۰	۳۰	۴ سال	خانه‌دار	لیسانس
۱۲	مرد	۱۲۰	۳۱	۴ سال	کارمند	دانشجوی دکتری
۱۳	مرد	۱۱۵	۳۰	۳ سال	دبیر	کارشناسی
۱۴	زن	۱۳۵	۲۵	۳ سال	خانه‌دار	کارشناسی ارشد

در این مطالعه، مراحل گردآوری اطلاعات و تحلیل آنها پیوسته دنبال شد. هر مصاحبه پس از انجام، پیاده‌سازی و تحلیل شد. هر کدام از مصاحبه‌ها نیز براساس هر واحد معنایی خطبه‌خط یا عبارت‌به‌عبارت تحلیل و کدگذاری شد. در ابتدا در قالب کدگذاری باز به هر مفهوم موجود در مصاحبه یک برچسب الصاق شد و تعدادی کد باز و خام مشخص شد. سپس در مرحله‌ی کدگذاری محوری هر تعداد از کدهایی که مفهوم و خصایص آنها مرتب بود، گردآوری و به محوریت یک مقوله ساماندهی شدند. در مجموع، ۱۱۹ مفهوم، ۱۶ مقوله و ۲ مقوله‌ی محوری به‌دست آمد. درنهایت، برای فهم بهتر در یک نمودار به‌نمایش درآمد.

۴. یافته‌های پژوهش

یافته‌های حاصل از این مطالعه در دو بخش بیان شده است؛ در بخش اول، وجوه مسئله‌آفرین در تعاملات همسران تازه‌ازدواج کرده و در بخش دوم، راهبردهای مواجهه با این وجوه مسئله‌آفرین بررسی شده است. در بخش اول، پدیدارشدن وجوه مسئله‌آفرین ممکن است باعث بروز اختلاف و یا بروز نکردن آن شود. در این قسمت نشانه‌های بروز اختلاف (درونی، کلامی و رفتاری) به همراه ابعاد آن ترسیم شده است. به‌علاوه در روند گزارش یافته‌ها، اظهارات مشارکت‌کنندگان به‌صورت نقل قول، داخل گیومه و با فونت ایتالیک ارائه شد.

۴-۱. پدیدارشدن اختلاف یا مسئله در آغاز زندگی به مثابه پدیده

سال‌های ابتدایی شروع زندگی مشترک از جهات مختلفی اهمیت دارد. پس از آنکه یک زوج زندگی دوفره‌ای خود را رسمی آغاز می‌کنند، اولین مراحل پایه‌گذاری یک واحد خانوادگی مستقل آغاز می‌شود. واحدی که از کنار هم قرار گرفتن «دوتا آدمی که با هم فرق می‌کنند» تشکیل می‌شود و «قراره بیان کنار همدیگه و میج بشن». از این جهت «۵-۴ سال اول» واقعاً حیاتیه». افراد متأهل نیز به آن اشاره کرده‌اند: «می‌دونستم که برای اینکه زندگی شکل بگیره سالای اول سختی داره. متوجه بودم و سعی کردم خانومم متوجه کنم که اگه قراره زندگیش درست شکل بگیره الان وقتشه». طبق اظهارات مشارکت‌کنندگان در همین فرایند، اختلافات و مسائل نیز پدیدار می‌شود: «بالاخره هرچی پیش می‌رفت متوجه اختلافات بیشتر می‌شدیم. هرچه پیش رفت بیشتر اینها رو می‌دیدیم»؛ اوج مواجهه‌ی این زوج‌های نوپا با اختلاف و مسائل نیز از دوران عقد تا ۳ سال اول زندگی مشترک بوده است: «اینا حتی از ماه اول عقدمون پیش اومد»، «ما به‌ویژه در یکی دو سال اول، مثلاً بحث و دلخوری و تفاوت‌هایی باهم داشتیم، در حوزه‌ی رفتاری، واکنش‌هایی مثل قهر و کشاکش‌های کلامی و اینها، اگر در سال اول هر ۱۰ روز یکبار بود من میتونم بگم الان هر ۵۰ روز یکبار هم نیست». مشارکت‌کننده‌ی دیگری می‌گوید: «این ۲-۳ سال اول زندگی ما با اینکه هم رو خیلی دوس داشتیم منتها خیلی دچار چالش و بحث می‌شدیم». براین‌اساس، پدیده‌محوری در این مطالعه پدیدارشدن اختلاف در سال‌های ابتدایی زندگی متأهلی است. این پدیده در تعاملات مشارکت‌کنندگان در قالب بروز حساسیت‌ها، تفاوت‌ها، اختلاف‌نظرها و سلیقه‌ها، تفاوت‌های فرهنگی و نبود تفاهم و اختلاف‌ها بر سر موضوعات مختلف بروز یافته است که می‌توان آن را وجوه مسئله‌آفرین یا وجوه اختلاف‌آفرین نامید: «من سر یه چیز کوچیکی که تو حرفاشون زده بودن ناراحت می‌شدم»؛ «وایلیش ما سر اینکه کجا زندگی کنیم یه بحثی با هم

داشتیمو خیلی زود تو همون یه ربع یا بیست دقیقه یه مقدار شدید شد؛ یا «اختلاف سلیقه به‌هرحال هست، چیزهایی هست که ایشون می‌پسندند و من نمی‌پسندم و یا برعکس». وجود وجوه مسئله‌آفرین در روابط همسران تازه‌ازدواج کرده ممکن است باعث پدیدارشدن دو حالت شود؛ حالت اول، درگیرشدن همسران با اختلاف و مسئله یا به‌عبارتی مسئله‌مندشدن که می‌تواند در سه سطح درونی، کلامی و رفتاری بروز و ظهور یابد:

◆ بروز درونی

منظور از بروز درونی حالت‌هایی است که فرد در مواجهه با اختلاف آن را در سطح کلام و رفتار خود نشان نمی‌دهد: «ممکنه از اون ماجرا توی ذهنم ناراحت بشم»، «شاید یه جاهایی دلخوری‌هایی باشه. بالاخره همسر من یه جاهایی دلخوری داشته باشه».

◆ بروز کلامی

منظور از بروز کلامی زمانی است که همسران در مواجهه با اختلاف آن را در قالب تعاملات کلامی خود با دیگری مبادله می‌کنند که شامل غرزدن: «همش دارم غر می‌زنم»، عصبانی‌شدن: «خوب یه دفعه عصبانی میشی یه حرفی می‌زنی»، کشاکش کلامی: «زمان‌هایی که کنار هم هستیم خیلی وقتام ممکنه همین‌طوری با هم کل‌کل هم بکنیم» و بحث و دعواکردن: «دعوا که بالاخره می‌کنیم» می‌شود.

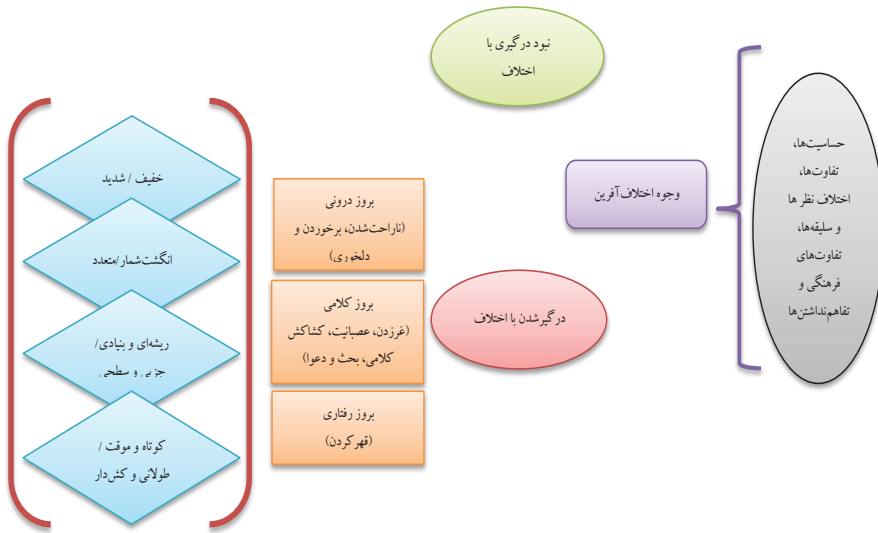
◆ بروز رفتاری

منظور از بروز رفتاری زمانی است که همسران، در مواجهه با اختلاف، رفتارهایی نشان می‌دهند که از ابرازات کلامی فراتر می‌رود؛ از جمله قهر کردن: «آره من قهر کردم»؛ «تو این دوساله ۲-۳ دفعه بوده که قهر کردیم؟».

همچنین این مسئله‌مندی یا درگیرشدن به اختلافات زناشویی از نظر ابعاد در تعاملات همسران تازه‌ازدواج‌کرده‌ی مشارکت‌کننده نیز خفیف یا شدید، کوچک یا بزرگ، انگشت‌شمار یا متعدد، ریشه‌ای و بنیادی یا جزئی و سطحی و کوتاه مدت و موقت یا طولانی‌مدت و کشدار بوده است. به‌عبارتی هریک از سطوح درونی، کلامی و رفتاری ممکن است، واجد چنین ابعادی باشد؛ برای مثال بروز کلامی مثل غرزدن ممکن است متعدد و زیاد رخ دهد: «من غرغر زیاد می‌کنم» یا بروز رفتاری مثل قهر کردن کوتاه‌مدت یا طولانی‌مدت و کشدار باشد «قهر کردیم ولی کوتاه بوده».

حالت دوم حاصل از وجود وجوه مسئله‌آفرین، درگیرنشدن با اختلاف یا مسئله است. این حالت زمانی پدید می‌آید که در رابطه‌ی میان همسران به خاطر نبود تنش، نداشتن بگومگو و

نبود مشاجره هیچ سطحی از سطوح ذکر شده پدیدار نمی‌شود: «در واقع در این دو سال هیچ تنش‌ی نداشتیم. بگومگو و مشاجره، نه، نداشتیم»، «تا این موقع ما تا حالا سر مسئله‌ای حتی به قهر کوچیکی نداشتیم. اصلاً یادم نمی‌آد تا حالا دعوا داشته باشیم». شکل شماره‌ی ۱ پدیدارشدن شماتیک مسئله را نشان می‌دهد.



۴-۲. راهبردهای مواجهه با وجوه مسئله‌آفرین

در این قسمت، راهبردهای همسران متأهل تازه‌ازدواج کرده برای مواجهه با وجوه اختلاف‌آفرین و مقولات مستخرج، مفاهیم و گزاره‌های برگرفته از هر کدام از مقوله‌ها بررسی می‌شود. در نهایت نیز ویژگی‌های راهبردهای مؤثر بیان شده است. در جدول شماره‌ی ۲ همه‌ی مفاهیم و مقوله‌های مستخرج آمده است.

جدول ۲. مفاهیم و مقوله‌ها

مقوله	ابعاد	مفاهیم
پرهیز از کشاکش	وجوه سلبی	ممانعت از ایجاد تنش، پافشاری نکردن، سرزنش نکردن، تشدید نکردن، بزرگ نکردن مسئله، ادامه دار نکردن، جبهه نگرفتن، بحث و جدل نکردن، جنجال ایجاد نکردن، لجباجت نکردن پرهیز از کشاکش لجوجانه، آگاهانه ابراز نظر نکردن در شرایط اختلاف، اجتناب از توهین/ پرهیز از بی حرمتی کلامی، پرهیز از دعوا با وجود اختلاف، پرهیز از تحمیل نظر، پیشگیری و جلوگیری
	وجوه ایجابی	پیش دستی در عذرخواهی، ابراز نظر بدون جدل، آرامش خواهی/ آوری برای دیگری
جلوگیری از تلنبارگی	---	بیان و ابراز ناراحتی‌ها/ دلخوری‌ها/ اشتباهات/ مشکلات، بنانهادن ابراز ناراحتی به مثابه یک قاعده در رابطه، جلوگیری از ماندن ناراحتی، گفتن همه چیز به همدیگر، جلوگیری از تبدیل ناراحتی به کینه، از دل هم در آوردن سریع، خروج سریع از فضای تنش (دعوا و اختلاف)، برگشت سریع به روند عادی رابطه، غرزدن بدون دعوا کردن، توجه داشتن، چک کردن ناراحتی‌های احتمالی گفته نشده، پرسیدن و جویاشدن از ناراحتی دیگری و توجه و رسیدگی ناراحتی‌ها یا مسئله
مدیریت هیجانات شخصی یا درونی	---	خراب نکردن پل‌ها در لحظه‌های دعوا و ناراحتی، مکث و سکوت لحظه‌ای در زمان دعوا و ناراحتی و عصبانیت و کنترل عصبانیت
بازاندیشی در خود	---	فکر کردن به خود و رفتارهای خود، ارزیابی کردن خود، تذکر دادن به خود، پیشنهاد دادن به خود و جست‌وجوی حل مسئله از درون خود
مسکوت کردن	---	مطرح نکردن مسئله، نپرداختن به منبع ایجاد مسئله، سکوت کردن، اجتناب از گفت‌وگو، پیش گام نشدن، اصرار و تأکید بر موضع خود، سردی، بی کنشی، کاهش تحریک پذیری و تأثیر پذیری عاطفی و مبادله‌ی عواطف منفی (دچار شدن به تنگنای عاطفی، در مضیقه قرار گرفتن)
تشدید کردن	---	قیافه گرفتن، کش دادن و ادامه دار کردن، مقابله به مثل کردن، ترک محیط و داد کشیدن، خراب کردن همه‌ی پل‌ها، بدگفتن از همه چیز، شکستن حرمت‌ها، عدم مدیریت عصبانیت، کوتاه‌نیامدن، بالارفتن صدا، جیغ و داد کردن، بی صبری (کم تحملی و نگره‌نداشتن ناراحتی، ابراز آنی)، آشفتگی و بی تابی (بی خواب شدن، بی خواب کردن دیگری)، گریه کردن، تغییر حالت چهره و میل به مغلوب کردن دیگری

مقوله	ابعاد	مفاهیم
خودمداری	---	اصرار بر نشان دادن ناراحتی، حق را به خوددادن، به روی دیگری آوردن ناراحتی خود، سوءاستفاده از نقطه ضعف دیگری، ابرازات کلامی آزاردهنده و نگاه کردن به مسئله از موضع خود
دیگرمداری	---	نگریستن به مسئله از مواضع دیگران، حق دادن به دیگران و تقدم دادن به همسر (مرجعیت دادن به همسر در تعامل با خانواده‌ی خود، اولویت دادن به سلیقه‌ی همسر)
مذاکره	---	دعوت به گفت‌وگو، پیشگامی در گفت‌وگو، اقدام به گفت‌وگو
اقتناع و توافق	---	قانع کردن، قانع شدن، همساز و متفق شدن
واگذاری	منفعلا	رها کردن مسئله در گذر زمان
	فعلا	صبوری در زمان، عدم ابراز آنی ناراحتی، فرصت دادن، به روی خود نیاوردن، در خاطر نگه داشتن ناراحتی علی‌رغم عدم بیان آن، گذشتن و فراموش کردن، نادیده گرفتن
ملاطفت	---	ناز کشیدن، برعهده گرفتن تقصیر با وجود مبرابردن، همدلی کردن
تعدیل و تخفیف	---	مدارا، سکوت بردبارانه، گذشت، پذیرش تفاوت‌ها، تغییر و انطباق، رازپوشی، کوتاه آمدن، میانجی گری میان همسر و خانواده
حل و فصل	---	پذیرش خطا، اقرار به خطا، پوزش طلبیدن، پیش گام شدن، آشتی کردن، مشاوره رفتن و راهنمایی طلبیدن، فعال کردن امکان‌های جایگزین
فراست	---	تدبیر، تلطیف، تبحر، آمادگی
تغییر مواجهه	---	مجهز شدن به مهارت‌ها، عقب گرد به تشدید
راهبردهای مؤثر	---	متقابل، پیشگامانه، سریع، مسئولانه

◆ پرهیز از کشاکش

پرهیز از کشاکش یکی از راهبردهایی است که همسران برای پیشگیری از تبدیل شدن وجوه اختلاف‌آفرین به کشاکش و ایجاد تنش اتخاذ می‌کنند. راهبردهایی که وجه پیشگیرانه دارند می‌تواند در دو شکل متبلور شود؛ شکل اول، راهبردهای سلبی است. در این نوع راهبرد کنشی انجام نمی‌شود تا تنش یا کشاکش ایجاد یا تشدید نشود: «باید طوری برخورد کنی و طوری رفتار کنی که احساس سرخوردگی ایجاد نشه، به‌نظر من هیچ تنشی که ایجاد نشه اون رابطه همیشه قوی می‌مونه». شکل دوم، راهبردهای ایجابی است که در آن اقداماتی برای پیشگیری از کشاکش انجام می‌شود: «تا که میاد می‌دونه دیر اومده، بعد یه موقع من ناراحتما، خودش جلو جلو میگه بیخشید». راهبردهای سلبی پرهیز از کشاکش برساخته‌ی مفاهیم ممانعت از ایجاد تنش، پافشاری نکردن، سرزنش نکردن، تشدید نکردن، بزرگ نکردن مسئله، ادامه‌دار نکردن، جبهه‌نگرفتن، بحث‌و‌جدل نکردن، جنجال نکردن، لجاجت نکردن، آگاهانه ابراز نظر نکردن در شرایط اختلاف، اجتناب از بی‌حرمتی کلامی، پرهیز از تحمیل نظر، پیشگیری و جلوگیری، پرهیز از دعوا با وجود اختلاف است. همچنین راهبردهای ایجابی پرهیز از کشاکش شامل پیش‌دستی در عذرخواهی، ابراز نظر بدون جدل و آرامش‌خواهی برای دیگری است.

◆ جلوگیری از تل‌انبارگی

از دیگر راهبردهایی که همسران تازه‌ازدواج کرده برای مواجهه با وجوه اختلاف‌آفرین اتخاذ می‌کنند، حل به‌موقع مسائل و پرداختن به ناراحتی‌ها، مشکلات، اشتباهات و دلخوری‌هاست: «شده شب تا صبح بیدار موندیم و اول بحث کردیم با هم و نپذیرفتیم و بعد پذیرفتیم و ریشه‌اش رو پیدا کردیم و بعد گرفتیم خوابیدیم». این مقوله برساخته‌ی بیان و ابراز ناراحتی‌ها/دلخوری‌ها/اشتباهات/مشکلات و بنانهادن این کار به‌مثابه یک قاعده در رابطه، جلوگیری از ماندگار شدن ناراحتی‌ها یا کهنه‌شدن آن، گفتن همه‌چیز به یکدیگر، جلوگیری از تبدیل ناراحتی به کینه، از دل هم درآوردن سریع، توجه‌داشتن، پرس‌وجو کردن از جمله جویاشدن از ناراحتی دیگری و چک کردن ناراحتی‌های احتمالی گفته‌نشده، رسیدگی کردن به ناراحتی‌ها، خروج سریع از فضای تنش و غرزدن بدون دعوا کردن است. درواقع همسران تازه‌ازدواج کرده از طریق این راهبرد از متراکم شدن ناراحتی‌ها و کهنه‌شدن دلخوری‌ها جلوگیری می‌کنند و با پرداختن به آنها در همان لحظه مانع از آن می‌شوند که در آینده‌ی نه‌چندان دور با کوهی از مشکلات حل‌نشده مواجه شوند.

♦ مدیریت هیجانات شخصی یا درونی

مدیریت هیجانات شخصی در لحظه‌های دعوا و ناراحتی از دیگر راهبردهایی است که همسران تازه‌ازدواج کرده در پیش می‌گیرند: «بارهایی بوده که عمیقاً عصبانی بودم و خودم متعجب بودم که چطور تونستم خودم رو کنترل کنم. من سعی کردم کنترل کنم خودما». این مقوله بر ساخته‌ی مفاهیمی چون خراب‌نکردن پل‌ها در لحظه‌های دعوا و ناراحتی، مکث و سکوت لحظه‌ای در زمان دعوا و ناراحتی، کنترل عصبانیت و دعوت همسر به مدیریت خود از جمله درون‌نگری، خویش‌داری، ترک گریه و کوتاه‌آمدن است. در این راهبرد همسران از انجام اقداماتی که بعد از فروکش کردن مسئله باعث پشیمانی آنها شود، اجتناب می‌کنند.

♦ بازاندیشی در خود

از دیگر راهبردهای همسران تازه‌ازدواج کرده، بازاندیشی درباره‌ی خودشان است. این مقوله بر ساخته‌ی فکر کردن به خود و رفتارهای خود، ارزیابی کردن خود، تذکر دادن به خود، پیشنهاد دادن به خود و جست‌وجوی حل مسئله از درون خود است: «من خیلی برمی‌گردم که اگه این کارو می‌کردم. می‌گم اگه مستقیم‌تر حرف بزنم... اگه اون لحظه مستقیم گفته بودم خیلی واضح می‌فهمیدن».

♦ مسکوت کردن

منظور از اتخاذ راهبردهای مسکوت‌کننده زمانی است که همسران در رویارویی با وجوه اختلاف‌آفرین هر نوع کنشی را متوقف می‌کنند و تعاملات حول حل مسئله خاموش می‌شود و ناتمام می‌ماند. در این معنا مسئله‌ی مسکوت‌شده مسئله‌ای است که درباره‌ی آن حرفی زده نمی‌شود و متوقف باقی گذاشته شده است: «بعضی اوقات ترجیح می‌دادیم که دو طرف به موضوع رو مطرح نکنیم. به نظرم کار خوبی شاید نباشه. وارد گفت‌وگوی جدی نمی‌شده». این مقوله بر ساخته‌ی مفاهیمی است مانند مطرح‌نکردن مسئله، نپرداختن به منبع ایجاد مسئله، سکوت کردن، اجتناب از گفت‌وگو، پیش‌گام‌نشدن در گفت‌وگو برای حل مسئله، اصرار و تأکید بر موضع خود، سردی، بی‌کنشی (شامل توقف فعالیت‌ها و امور روزمره از جمله خوابیدن، نخوردن، انجام ندادن هیچ کاری، کاهش عکس‌العمل نسبت به بیرون، کاهش تحریک‌پذیری و تأثیرپذیری عاطفی)، مبادله‌ی عواطف منفی (شامل دچار شدن به تنگنای عاطفی) و درمضیقه قرار گرفتن (شامل تعجب، بی‌تفاوتی، نافهمی، خودسرز نشی).

◆ تشدید کردن

گاهی در مقابل مسائل پدیدار شده، همسران به راهبردهایی چنگ می‌زنند که به جای تعدیل یا حل مسئله آن را تشدید می‌کند: «{خانومم} وقتی عصبانی می‌شه، غیرقابل کنترل می‌شه و تصمیمات عجیبی ممکنه بگیره. مثلاً ول کنه بره». این نوع از راهبردها که مسئله را سخت‌تر کرده و خروج از آن را دشوارتر می‌کند عبارت‌اند از: قیافه‌گرفتن، کش دادن و ادامه‌دار کردن، مقابله به‌مثل کردن، ترک محیط، دادکشیدن، خراب کردن همه‌ی پل‌ها، بدگفتن از همه‌چیز، شکستن حرمت‌ها، مدیریت نکردن عصبانیت، کوتاه‌نیامدن، بالا رفتن صدا، جیغ‌و داد کردن، بی‌صبری کردن (شامل کم‌تحملی و نگاه‌نداشتن ناراحتی و ابراز آنی)، آشفتگی و بی‌تابی (شامل بی‌خواب‌شدن و بی‌خواب‌کردن دیگری، گریه‌کردن به‌صورت بی‌اختیار و بی‌مقدمه در اولین واکنش در مواجهه با هر نوع مسئله به‌سرعت و برای تخلیه‌ی احساسات)، تغییر حالت چهره و میل به مغلوب کردن دیگری.

◆ خودمداری یا دیگرمداری

همسران تازه‌ازدواج کرده در مواجهه با مسئله ممکن است دو راه متفاوت را در پیش بگیرند که در دو سر طیف قرار می‌گیرد: خودمداری یا دیگرمداری. منظور از خودمداری آن است که فرد خود را مرکز توجه قرار دهد و به موضوع فقط از موضع خود بنگرد: «اون لحظه آدم فکر می‌کنه همه جوره حق با خودشه». به این شکل دیگری یا دیگران درگیر از مرکز توجه و بررسی مسئله خارج می‌شوند. این راهبرد ممکن است به یکی از روش‌های زیر محقق شود: اصرار بر نشان دادن ناراحتی، حق را به خود دادن، ناراحتی خود را روی دیگری آوردن، سوءاستفاده از نقطه ضعف دیگری، ابرازات کلامی آزاردهنده به دیگری و نگاه کردن به مسئله از موضع خود. در مقابل دیگرمداری راهبردی است که فرد به جای محور قرار دادن خود، دیگری یا دیگران درگیر را در محور قرار می‌دهد و با قرار گرفتن در جایگاه آنها مسئله را بررسی می‌کند: «گفتم شما حق دارید که ناراحت بشید و به خاطر نگرانی‌هاتونه». این راهبرد با مفاهیمی همچون نگرستن به مسئله از مواضع دیگران، حق دادن به دیگران و تقدم‌دادن به دیگری شامل مرجعیت‌دادن به همسر در تعامل با خانواده‌ی خود و اولویت‌دادن به سلیقه‌ی همسر محقق شده است.

◆ مذاکره

به کارگیری مذاکره در مواجهه با مسئله از جمله راهبردهای موفق در تعاملات همسران تازه ازدواج کرده است. در این روش، زوجین درباره‌ی موضوع مورد نظر با یکدیگر گفت‌وگو کرده و حرف‌های یکدیگر را می‌شنوند: «مکانیزم‌های حل اختلاف ما با حرف زدن. هر وقت که بحث و دعوا کردیم، بعدش نشستیم با هم حرف زدیم». این راهبرد برساخته‌ی دعوت به گفت‌وگو، پیشگامی در گفت‌وگو و اقدام به گفت‌وگو است. این گفت‌وگو در تعاملات همسران به صورت مداوم و همیشگی، زیاد، در مورد مسائل مختلف، جدی، متعدد، طولانی، در مکان مناسب، در زمان مشخص، در حالت سرحالی جسمی و تمرکز فکری، در زمان ناراحتی و بلافاصله پس از پدیدار شدن مسئله انجام می‌شود.

◆ اقناع و توافق

اقناع، راهبردی برای نزدیک کردن نظرات و دیدگاه‌ها یا کنش‌های همسران است. این راهبرد وجوه متقابل شامل قانع شدن و قانع کردن دارد: «قانعش می‌کنم میگم این کار هم خوب بود». منظور از قانع کردن تلاش برای راضی، متقاعد یا خشنود کردن دیگری و منظور از قانع شدن پذیرفتن و متقاعد شدن بر حسب نظر و رفتار دیگری است. از دیگر راهبردهای مشارکت‌کنندگان، هم‌ساز شدن و متفق شدن بر سر موضوع به معنای رسیدن به توافق است.

◆ واگذاری فعالانه / منفعلانه

برخی از همسران مشارکت‌کننده به راهبردی اشاره کرده‌اند که می‌تواند به مثابه شمشیری دولبه عمل کند. واگذار کردن یکی از این راهبردهاست. رها کردن مسئله از یک سو به معنای رها کردن با بی‌خیالی یا به عبارتی ول کردن و از سویی به مثابه صبوری کردن است. حالت اول واگذاری منفعلانه و حالت دوم واگذاری فعالانه نامیده می‌شود. از جمله وجوه واگذاری منفعلانه که مشارکت‌کنندگان این مطالعه اتخاذ کرده‌اند، رها کردن مسئله در گذر زمان است: «ما سر این موضوع با هم یکم مشکل داشتیم... خیلی وقتا در اثر گذشت زمان... به نفر کوتاه آمده».

در راهبرد فعالانه نیز واگذاری به زمان وجود دارد، اما صبورانه عمل کردن در این زمینه وجه متمایزکننده‌ی آن است: «قبلاً من هرچی توضیح می‌دادم و می‌گفتم صبر کن اینها در زمان حل میشه، احساس می‌کرد دارم می‌پیچونمش و یا ممکنه اینجوری نشه». ابراز نکردن آنی ناراحتی، فرصت‌دادن، به‌روی خود نیاوردن، در خاطر نگاه داشتن علی‌رغم بیان نکردن آن، گذشتن و فراموش کردن و ناپدید گرفتن برسازنده‌های واگذاری فعالانه است.

◆ ملاطفت

منظور از راهبرد ملاطفت نیکویی، نرمی، لطف و مهربانی کردن نسبت به همسر است: «لان هم حتی اگه من مقصر باشم و جنگ و دعوا راه بندازم واقعاً ایشون آروم می‌گیره و میاد سراغ من». مشارکت‌کنندگان در این مطالعه در زمان مواجهه به وجوه اختلاف‌آفرین از این راهبرد در قالب ناز کشیدن، برعهده گرفتن تقصیر با وجود مبرابودن و همدلی کردن استفاده کرده‌اند.

◆ تعدیل و تخفیف

از دیگر راهبردهای همسران اقداماتی است که برای کم کردن شدت پدیده و سبک کردن شرایط موجود در رابطه انجام می‌دهند. درواقع این راهبردها مانع از تشدید مسئله می‌شود: «بعضی موقعا هیچی نمی‌گم گاهی هم اعصابم خورده. ایشونم یه جاهایی با من همراهی می‌کنه ولی یه جاهایی... با هم کنار میاییم». مفاهیم برسازنده‌ی این راهبرد عبارت‌اند از: مدارا به صورت‌های کنارآمدن با اختلاف سلیقه‌ها، کنارآمدن با چالش‌ها، کنارآمدن با هم، مدارا کردن با اختلافات مذهبی خانواده‌ها و سکوت بردبارانه، گذشت کردن، پذیرش تفاوت‌ها، تغییر و انطباق، رازپوشی، میانجی‌گری میان همسر و خانواده و کوتاه آمدن به صورت حداکثری، متقابل، متعادل، در راستای حفظ زندگی و برحسب حساسیت‌های دیگری.

◆ حل و فصل

بسیاری از همسران مشارکت‌کننده در این مطالعه در مواجهه با اختلافات در پی آن بودند که با چاره‌اندیشی مسئله را فیصله داده و آن را حل و فصل کنند. اولین گام در این روش پذیرش خطا: «فکر کردم دیدم اشتباه کردم» و اقرار به آن: «گه‌ام واقعاً مقصر باشم اعتراف می‌کنم مقصر منم. زیاده‌روی کردم» است. آنها به شیوه‌های مختلفی تلاش می‌کردند تا مسئله‌ی پدیدآمده را برطرف کنند: «همیشه سعی‌ام این بوده که بشینیم مسائل رو حل کنیم باهم». از جمله‌ی این شیوه‌ها می‌توان به مواردی همچون پوزش طلبیدن به صورت متقابل، کلامی، قدمی، متعدد و سریع، پیش‌گام شدن، آشتی کردن، مشاوره رفتن و راهنمایی طلبیدن و فعال کردن امکان‌های جایگزین اشاره کرد.

◆ فراست

بعضی از همسران تازه‌ازدواج کرده‌ی شرکت‌کننده در این مطالعه در مواجهه با اختلافات از فراست و خردمندی بهره برده‌اند و برای حل مسئله از مهارت‌های لازم در این باره استفاده کرده‌اند، منظور از فراست در اینجا زیرکی و دانایی به‌خرج‌دادن و هوشمندانه عمل کردن است: «می‌شه گفت سیاست‌داشتن. یکم فکر می‌کنم سعی کردم سیاست داشته باشم. نه اینکه گولش بزنم». این مفهوم برساخته‌ی تدبیر، تلطیف، تبحر و آمادگی است.

◆ تغییر مواجهه / راهبرد / روش

همسران تازه‌ازدواج کرده در اوایل زندگی مشترک اغلب با موارد بیشتری از مسئله و اختلاف مواجه می‌شوند و این روند در طول ۵ سال اول زندگی مشترک، ممکن است روند کاهشی یا افزایشی داشته باشد. دلیل این تغییر روند را می‌توان در تغییر روش‌های آنها جست. بدین خاطر که مواجهه‌ی همسران با مسائل و اختلافات همیشه بر یک روند نبوده است و براساس تجربه، حَسَب شرایط و بسیاری عوامل دیگر تغییر می‌کند. این تغییر شیوه در تعاملات همسران دو گونه است: اول دستیابی به آمادگی‌ها، آگاهی‌ها و توانایی‌هایی است که لازمه‌ی مواجهه‌ی موفق با مسئله است. این گونه از تغییر مواجهه، مجهز شدن به مهارت‌ها نامیده شده است: «لان خیلی سریع یاد گرفتیم اگه مشکلی پیش اومد چطور با مهارت از اون مشکل بیایم بیرون». مجهز شدن به مهارت اغلب با نوعی یادگیری همراه است. این یادگیری یا در جریان تعامل زوج و در اثر مواجه شدن با مسائل و موضوعات مختلف، در جریان اتفاقات و رویدادهای مختلف زندگی و یا در اثر مراجعه به مراجع آگاهی‌بخش و توانمندکننده مانند مشاوران رخ می‌دهد. این مفهوم برساخته‌ی مبادرت به گفت‌وگو در قالب روی آوردن به گفت‌وگو به‌جای اجتناب از آن، تصمیم و تعهد به گفت‌وگو، ابراز و بیان ناراحتی در اولین زمان نزدیک قبل از فراموش شدن، پس از فروکش کردن التهاب در زمان مناسب، با بیان دلایل ناراحت‌کننده، سنجش شرایط و با سنجش آگاهانه بودن یا ناآگاهانه بودن رفتار ناراحت‌کننده، پرداختن به منبع ایجادکننده‌ی مسئله، رهاکردن فعالانه از جمله رهاکردن مسائل حل‌نشده یا بی‌اهمیت، بی‌مقدمه گریه‌نکردن و رهاکردن خودمداری است.

نوع دیگر از تغییر شیوه در تعاملات همسران تغییر مواجهه‌ی عقب‌گرد به سوی راهبردهای تشدیدکننده است که به شکل‌های کوتاه‌نیامدن، قهر کردن و کش‌دادن می‌تواند بروز و ظهور یابد.

♦ ویژگی راهبردهای مؤثر

اگر راهبردهایی که به حل مسئله یا بهبود رابطه منجر می‌شود را با ویژگی‌هایی برآمده از اظهارات مصاحبه‌شوندگان توصیف شود، به این مفاهیم باید اشاره کرد.

- متقابل: در حل مسئله، راهبردی می‌تواند موفق و مؤثر باشد که هر دو طرف رابطه در آن دخیل باشند. این راهبردها برهم‌کنشی دوسویه بوده که وزنه‌ی آن به سمت یکی سنگین‌تر از دیگری نباشد: «ببین دوطرفه است. این جور نیست که فقط من برم جلو یا اون بیاد جلو». این امر از تحمیل بار و فشار مسئله بر یکی از همسران جلوگیری می‌کند.

- پیشگامانه: پیشی گرفتن چه از نظر زمانی و چه از نظر تعداد دفعات رفع‌ورجوع کردن مسئله در رابطه‌ی همسران تازه‌ازدواج کرده از دیگر ویژگی‌هایی است که راهبرد مورد نظر را به سمت موفقیت بیشتر سوق می‌دهد: «به موقع من ناراحتما، خودش جلوجلو میگه بخشید». این ویژگی به نحو بارزی وجه پیشگیرانه‌ی راهبردهای اتخاذشده مانند پرهیز از کشاکش و جلوگیری از تل‌انبارگی خود را نشان می‌دهد.

- سریع: سرعت در پرداختن به مسئله یا اختلاف پدیدار شده مانع از کهنگی و فرسودگی آن می‌شود. به همین نسبت نپرداختن به مسئله و اجازه‌دادن به گذر زمان خام به همراه غفلت‌ورزی نسبت به آن باعث انباشتگی و البته سخت‌شدن اختلافی می‌شود که می‌توانست در اسرع وقت حل‌وفصل شود. این ویژگی همسران تازه‌ازدواج کرده را از عواقب تلخ آتی مصون می‌دارد: «به نظرم اگر کار اشتباهی کردی سریع {باید} جبران کنی عذرخواهی یا از دل درآوردن، به هر شکلی که هست».

- مسئولانه: برعهده‌گرفتن مسئولیت تعارض پدیدار شده به معنای بلوغ شخصیتی یک همسر است. طفره‌رفتن و لاقیدی در مواجهه با اختلافات پدیدار شده باعث می‌شود فرد هیچ‌گونه نقش و وظیفه‌ای در به‌وجودآمدن یا حل آن برای خود قائل نباشد. درمقابل، زمانی که همسران خود را مسئول بدانند، هم در پذیرش و هم در حل‌وفصل آن نقش کلیدی ایفا می‌کنند: «پیش هم اومده که شورش رو درآوردم و واقعاً مقصر بودم و اعتراف می‌کنم... حلش کردم... اعترافش رو لااقل کردم. گفتم من زیاده‌روی کردم... یا بعد سعی کردم درستش کنم».

۳-۴. چرخه‌ی طبیعت/مهارت در راهبردهای حل مسئله‌ی همسران تازه‌ازدواج کرده

در یک براینده کلی و در اثر غور و آمیختگی با داده‌ها از سطوح خرد تا مقوله‌های به‌دست‌آمده، می‌توان ادعا کرد که راهبردها یا برخاسته از مهارت افراد در مواجهه با مسئله است یا برخاسته از طبیعت اولیه‌ی آنهاست. برای روشن‌شدن منظور از طبیعت اشاره به برخی مفاهیم موجود در ادبیات جامعه‌شناختی مفید فایده است. با استمداد از مفاهیم فرهنگ و طبیعت، می‌توان گفت خاصیت طبیعت خام‌بودن است و مواجهه‌ی طبیعی نیز مواجهه‌ی خام است. این نوع مواجهه پاسخی دست‌کاری نشده است. پاسخی که حالت طبیعی آن تغییر داده نشده باشد. در این خامی مواجهه‌های طبیعی نوعی ناپیراستگی، بی‌تجربگی، تازه‌کاری، صیقل‌نیافتگی و مبتدی‌بودن را می‌توان مشاهده کرد. درمقابل، مهارتمندی برگرفته از فرهنگ و ویژگی آن پختگی است و شامل تجربه، کاردانی، آزمودگی، حاذق‌بودن، کارآمدی، مجرب‌بودن و تدبیر است.

همچنین با استمداد از مفاهیم رفتار-کنش، مواجهه‌ی طبیعی اولین پاسخ ضمنی یا صریح به محرک یعنی وجوه اختلاف‌آفرین است. مواجهه‌های طبیعی نوعی پاسخ مکانیکی به‌شمار می‌روند، درحالی‌که مواجهه‌های مهارتی کنشی است که از مجرای تفسیری و الصاق عامدانه‌ی معنا تبلور می‌یابد. همچنین به زبان مید مواجهه‌های طبیعی از من فاعلی (I) یعنی احساسات، هیجانات و مواجهه‌های مهارتی از من مفعولی (ME) سرچشمه می‌گیرند.

براین‌اساس، مواجهه‌های طبیعی، مواجهه‌ی اجتماعی نشده‌است. این نوع مواجهه ممکن است برخاسته از ویژگی‌های فیزیولوژیک و روان‌شناختی حاصل از جنس افراد یا اولین پاسخ ممکن به یک محرک در یک موقعیت خاص (که در جریان مهارتمندی زندگی زوجی وارد نشده) باشد. افراد در جریان قرارگرفتن در یک رابطه‌ی تأهل و زناشویی نیازمند نوعی اجتماعی‌شدن یا جامعه‌پذیری برای تبادل معانی مشترک و عمل برحسب هنجارها و قواعد این نوع از تعامل اجتماعی هستند. ممکن است برخی از همسران (زنان یا مردان) پیش از ورود به چنین رابطه‌ای از منابع مختلفی -مانند گفت‌وگو با دوستان یا اعضای متأهل خانواده و یا خویشاوندان و یا مشاهده‌ی زندگی افراد متأهل در اطراف- به شکلی با ملزومات یا فضای زندگی متأهلی آشنایی داشته باشند. این فرایند اجتماعی‌شدن در جریان تعاملات زوجها بیشتر و بیشتر می‌شود و البته گاه به یک واحد اجتماعی منسجم و گاه به یک واحد اجتماعی گسسته و نابسامان منجر می‌شود. ایجاد قواعد زندگی مشترک که برای هر واحد زوجی منحصربه‌فرد است، در همین سال‌های نخست رخ می‌دهد و در سال‌های بعدی ممکن است تغییر کند، اما پایه‌ی تعاملات سال‌های بعدی در این سال‌های اول گذاشته می‌شود.

جدول ۳. راهبردهای طبیعی / راهبردهای مهارتی

راهبردهای طبیعی	راهبردهای مهارتی		
واگذاری منفعلانه	تعدیل و تخفیف	افتناع و توافق	پرهیز از کشاکش
مسکوت کردن	دیگرمداری	جلوگیری از تلنبارگی	مذاکره
تشدید کردن	ملاطفت	مدیریت هیجانات شخصی	واگذاری فعالانه
خودمداری	فراست	بازاندیشی در خود	حل و فصل

براساس توضیحات داده‌شده، واگذاری منفعلانه، مسکوت کردن، تشدید کردن و خودمداری مواجهه‌هایی هستند که ذیل راهبردهای طبیعی قرار می‌گیرند. در این نوع مواجهه‌ها خامی، مکانیکی بودن و غلبه غلیان‌های درونی و وجهی مشترک است. در مقابل، پرهیز از کشاکش، جلوگیری از تلنبارگی، مدیریت هیجانات شخصی، بازاندیشی، دیگرمداری، مذاکره، افتناع و توافق، واگذاری فعالانه، ملاطفت، تعدیل و تخفیف، حل و فصل و فراست مواجهه‌هایی مبتنی بر مهارت هستند. پختگی، تفسیر و نظارت وجه مشترک توصیف‌کننده‌ی این مواجهه‌هاست.

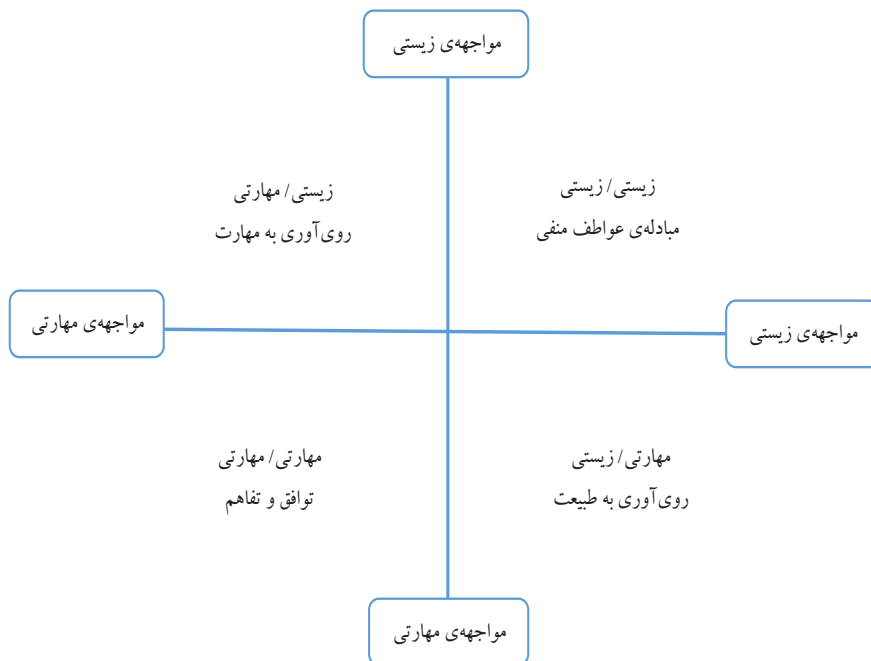
اگر طبیعت در یک‌سو و مهارت در سوی دیگری از یک پیوستار در نظر گرفته شود، همسران تازه‌دواج کرده در این پیوستار در چرخش‌اند. یعنی لزوماً همیشه مبتنی بر مهارت یا همیشه مبتنی بر طبیعت عمل نمی‌کنند. آنها یا با دستیابی به آمادگی‌ها، آگاهی‌ها و توانایی‌ها به سوی مهارت رفته و یا از مهارت به سوی تشدید که امری طبیعی است، عقب‌گرد می‌کنند. براین‌اساس، راهبردهای مذکور در یک چرخه‌ی مبادله‌ای بین همسران در گردش است. منظور از این چرخه آن است که هریک از طرفین در تعاملات زناشویی نسبت به دیگری چه نوع راهبردی اتخاذ می‌کند و کنار هم قرار گرفتن این راهبردهای اتخاذشده چه دستاوردی در رابطه دارد.

تحلیل داده‌های این مطالعه نشان می‌دهد، اگر هر دو طرف راهبرد زیستی اتخاذ کنند - یعنی مسئله را رها کرده، هر کنشی را متوقف کرده و موضوع را فقط از موضع خود بنگرند - و به جای تعدیل پدیده آن را تشدید کنند، رهاوردی جز عواطف منفی برای یکدیگر نخواهند داشت.

چنانچه یکی از طرفین از مهارت استفاده کند و دیگری مبتنی بر طبیعت عمل کند، دو پیامد محتمل است؛ روی آوری به طبیعت و روی آوری به مهارت. این روی آوری نتیجه‌ی مستقیم اثرات و پیامدهای اتخاذ شده از سوی هردو طرف است. در روی آوردن به مهارت طرف مبتنی بر طبیعت با بازاندیشی در جریان گفت‌وگو یا اخذ مشاوره متوجه مؤثر واقع شدن پیامدهای مهارت‌مندی می‌شود و برای حفظ و بهبود رابطه به راهبرد مهارت روی می‌آورد. طرف مبتنی بر مهارت، با مشاهده‌ی اصرار و پافشاری طرف مقابل در روی آوری به طبیعت و بر ادامه‌ی روند خود، به راهبردهایی روی می‌آورد که فراست و بخردی وجه تمایز آن نیست.

هرگاه هردو طرف مبتنی بر مهارت عمل کنند، اغلب از کشاکش پرهیز می‌کنند، مانع از تلبیاری مسائل می‌شوند، تقدم را به دیگری می‌دهند و مذاکره و گفت‌وگوی زیاد و مداوم دارند. رهاورد چنین مبادله‌ای توافق، تفاهم و همسویی در بیشتر موقعیت‌هاست. نمودار شماره‌ی ۱ که برای توضیح بصری یافته‌ی پژوهش تدوین شده است، نه تنها رفتار همسران در زمان اختلاف را توضیح می‌دهد، بلکه چرخش‌ها و تغییرات کنش و تعاملات آنها را نیز نمایان می‌کند.

۱۰۶



نمودار ۱. چرخه‌ی طبیعت/مهارت در راهبردهای حل مسئله‌ی همسران تازه‌ازدواج کرده

بحث و نتیجه‌گیری

سال‌های ابتدایی شروع زندگی مشترک در شکل‌گیری روابط همسران اهمیت ویژه‌ای دارد. پس از آنکه یک زوج زندگی دوفره‌ی خود را رسمی آغاز می‌کنند، اولین مراحل پایه‌گذاری یک واحد خانوادگی مستقل آغاز می‌شود. موقعیت‌های تعارض‌آمیز در هر مقطعی از رابطه ممکن است بروز کند، اما احتمال افزایش تعارض و اختلاف در سال‌های ابتدایی بیشتر است. براین اساس، تعاملات روزانه برای اداره‌ی مؤثر مسائل و اختلافات یکی از مهم‌ترین وظایف زوج‌های تازه‌ازدواج‌کرده است. از نگاه متخصصان حوزه‌ی خانواده، وجود اختلافات یا تضادها بین زوجین امری طبیعی و معمول است. این تضاد نیست که برای روابط صمیمانه خطرناک است، بلکه شیوه‌ی مدیریت تضاد امری مخاطره‌آمیز به‌شمار می‌رود. سازنده یا زینبار حل کردن اختلافات مهم است (Strong & et al, 2008: 259). در این مطالعه سه دستاورد کلی حاصل شد که دلالت بر پیچیدگی و تنوع تجربیات مشارکت‌کنندگان دارد؛ اول آنکه، ۱۵ مقوله‌ی مرتبط با راهبردهای حل مسئله‌ی همسران به‌دست آمد که عبارت‌اند از: پرهیز از کشاکش، جلوگیری از تلنبارگی، مدیریت هیجانات شخصی یا درونی، بازاندیشی در خود، مسکوت کردن، تشدید کردن، خودمداری، دیگرمداری، مذاکره، اقناع و توافق، واگذاری، ملاحظت، تعدیل و تخفیف، حل‌وفصل و فراست. این دستاورد در راستای پژوهش مقدس است که به سبک‌های حل مسائل خانوادگی پرداخته و آن را در پنج مقوله (شامل برخورد دموکراتیک، برخورد بازسازانه، برخورد عقلانی، برخورد منفعت‌طلبانه و برخورد فیزیکی و قهری) قرار داده است. دستاورد دوم آنکه راهبردهای اتخاذی همسران یا که برخاسته از مهارت آنها در مواجهه با مسئله است یا برخاسته از طبیعت اولیه‌ی آنهاست.

دستاورد سوم نیز آن است که راهبردهای مذکور در یک چرخه‌ی مبادله‌ای بین همسران در گردش است. همسران همیشه بر یک منوال یا متکی بر یک نوع راهبرد عمل نمی‌کنند و استراتژی خود را در مواجهه با مسئله تغییر می‌دهند. به همین خاطر اگرچه همسران تازه‌ازدواج‌کرده در اوایل زندگی مشترک به احتمال زیاد با موارد بیشتری از مسئله و اختلاف مواجه می‌شوند، این امر، در طول ۵ سال اول زندگی مشترک ممکن است روند کاهشی یا افزایشی داشته باشد.

در پایان، پیشنهاد این مطالعه آن است که مطالعات مشابهی در بسترهای مختلف فرهنگی کشور برای کسب فهم عمیق‌تری از چگونگی حل مسئله‌ی همسران تازه‌ازدواج‌کرده انجام شود تا تفاوت‌ها و مشابهت‌های این راهبردها به‌دست آید.

منابع

- ◀ اشتراوس، انسلم و جولیت کوربین، ۱۳۹۴. مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشرنی.
- ◀ اسدی شیشه‌گران، سارا، حسین قمری و علی شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۵. «تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر سبک‌های حل تعارض سازنده و غیرسازنده در نامزدها»، مشاوره کاربردی، د ۶، ش ۱.
- ◀ اسمعیلی، معصومه و کوثر دهدست، ۱۳۹۳. «ارائه طرحی مفهومی از رابطه تعارض‌های دوران نامزدی (پیش از ازدواج) با رضایت زناشویی (پس از ازدواج)»، مشاوره و روان‌درمانی خانواده، س چهارم، ش ۳.
- ◀ بهاری، فرشاد، مریم فاتحی‌زاده، سیداحمد احمدی، حسین مولوی و فاطمه بهرامی، ۱۳۹۰. «تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباط همسران بر کاهش تعارض‌های زناشویی زوج‌های متعارض متقاضی طلاق»، پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، د ۱، ش ۱.
- ◀ رازقی، نادر و اصلی اسلامی، ۱۳۹۴. «مطالعه کیفی علت‌های تعارض در خانواده»، زنان و خانواده، س دهم، ش ۳۲.
- ◀ رسولی، یوسف و عنایت‌الله فلاحت، ۱۳۹۲. «تأثیر روش فعال حل مسئله بر تعارضات زناشویی در شهر یاسوج»، ارمغان دانش، د ۱۸، ش ۱.
- ◀ سفیری، خدیجه و معصومه محرمی، ۱۳۸۸. «بررسی پیوند ناهمسان‌همسری با میزان اختلافات زناشویی»، مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، س ۷، ش ۳.
- ◀ سیدنقوی، میرعلی، رضا واعظی، وجه‌اله قربانی‌زاده و محمد افکانه، ۱۳۹۷. «الگوی تعالی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی ایران»، مدیریت سازمان‌های دولتی، د ۶، ش ۲.
- ◀ صادقی‌فسایی، سهیلا و زینب ملکی‌پور، ۱۳۹۲. «تحلیل جنسیتی فاصله در رابطه زوجین: مصادیق و زمینه‌های شکل‌گیری»، زن در توسعه و سیاست، د ۱۱، ش ۱.
- ◀ عنایت، حلیمه، منصوره دسترنج و فائزه سلمانی، ۱۳۹۰. «بررسی عوامل مرتبط با اختلاف خانوادگی»، جامعه‌شناسی زنان، س دوم، ش ۱.
- ◀ قلیلی، زهره، سیداحمد احمدی و مریم فاتحی‌زاده، ۱۳۸۶. «اثربخشی آموزش شیوه حل مسئله بر کاهش تعارضات زناشویی»، روان‌شناسی کاربردی، ش ۳.
- ◀ مقدس، علی اصغر، ۱۳۸۷. «طبقات اجتماعی و شیوه‌های حل مسئله در بین زوجین خانوادگی ساکن شیراز، مطالعات اجتماعی ایران، د ۲، ش ۱.
- ◀ ملکی، قیصر، پوریا رضی، مرتضی بهادر، حجت شکوری و احمدعلی امامی، ۱۳۹۳. «تاکتیک‌های حل تعارض در زنان مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده»، تحقیقات علوم رفتاری، ش ۱۲.

◀ منصوری نیا، آذر دخت، عذرا اعتمادی، مریم‌السادات فاتحی‌زاده و افسانه حسن‌پور، ۱۳۹۰. «بررسی تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر میزان رضایت زناشویی زوجین شهر اصفهان»، یافته‌های نو در روان‌شناسی. ش ۶.

◀ منصوری، نسیم، سیدعلی‌کیمیایی، علی‌مشهدی و احمد منصوری، ۱۳۹۵. «اثر بخشی زوج‌درمانی خودتنظیمی بر رضایت زناشویی، سبک‌های هویت و حل مسئله خانواده»، روان‌شناسی بالینی و شخصیت، د ۱۴، ش ۱.

▶ Auberry Hamilton, Kristen 2013. The Effects of Marital Conflict and Marital Environment on Change in Marital Status, 'Theses and Dissertations, Family Sciences', University of Kentucky UKnowledge.

▶ Cummings, E. M. 'W. B. Faircth, P. Mitchell, J. S. Cummings & A. C. charmerhorn, 2008. "Evaluating a brief prevention program for improving marital conflict in community family", *Journal of Family Psychology*, 22 (2).

▶ Fincham, Frank D. Beach, Steven R.H 1999. "Conflict in Marriage: Implications for Working with Couples", *Annu. Rev. Psychol*, 50.

▶ Halford, W. K., M. R. Sanders & B. C. Behrens, 2001. "Can skills training revent relationship problems in at-risk couples? Four-year effects of a behavioral relationship education program", *Journal of Family Psychology*, 15.

▶ Li, Xiaomin, Cao Hongjian, LAN Jing, Ju Xiaoyan, Zheng Yingxian, Chen Yi, Zhou Nan & Fang Xiaoyi, 2017. "The association between transition pattern of marital conflict resolution styles and marital quality trajectory during the early years of Chinese marriage", *Journal of Social and Personal Relationships*, 36.

▶ Markman H J, M J Renick, M. Clements, 1993. "Preventing marital distress through communication and conflict management training. And 5 year follow-up", *journal of counseling and clinical psychology*, 61.

▶ Papp. Lauren M., 2017. "Topics of Marital Conflict in the Everyday Lives of Empty Nest Couples and Their Implications for Conflict Resolution", *Journal of Couple & Relationship Therapy*, VOL. 0, NO. 0.

▶ Strong, B, Ch Devault & T. Cohen, 2008. *The marriage and family experience: Intimate relationships in a changing society*, Thomson Wadsworth.

▶ Waring, E.M & Chelune. Gordon J '1983. "Marital intimacy and self-disclosure", *Journal of Clinical Psychology*. Vol. 39, No. 2.